

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۵

بررسی رابطه قانون مناسب و اقتدار اجتماعی

عباس خورشیدی^۱

حسین ذوالفقاری^۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی رابطه «قانون مناسب» و «اقتدار اجتماعی» انجام گرفته است تا با شناخت این رابطه، به اهمیت یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر اقتدار اجتماعی که همانا قانون مناسب است، پی برده شود. روش تحقیق مطالعه حاضر، روش پیمایشی با تکنیک دلفی است که با بهره‌گیری از داده‌های پرسشنامه در ۳ مرحله، نظر صاحب‌نظران این حوزه را در این باره جمع‌آوری شده است. نمونه مورد استفاده در این تحقیق ۵۵ نفر شامل صاحب‌نظران حوزه نظم و امنیت با حداقل مدرک تحصیلی دانشجوی دکتری و با بیست سال سابقه کار، مستقر در شهر تهران است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قانون مناسب بیشترین تأثیر را بر شاخص‌هایی از اقتدار اجتماعی به شرح: مشروعیت و شایستگی حکومت، اعتماد عمومی، رضایت‌مندی عمومی و مشروعیت سیاست‌ها و قوانین داشته است. همچنین شاخص‌های قانون مناسب که بیشترین تأثیر را بر اقتدار اجتماعی داشته‌اند، به ترتیب شامل تأمین‌کننده عدالت در جامعه، تأمین‌کننده منافع عمومی، توان پاسخگویی به نیازها، انطباق با مبانی دین اسلام و برخورداری از ضمانت اجرای قوی هستند.

کلیدواژه‌ها: قانون، قانون مناسب، اقتدار اجتماعی، عدالت، جامعه.

۱. استاد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر (نویسنده مسئول) A-khorshidi40@yahoo.com

۲. استادیار مدیریت دانشگاه علوم انتظامی zolfagharieh@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

اگرچه در جامعه ما اعتقاد به مبانی دین اسلام، حاکمیت ولایت فقیه، علایق سرزمینی و اجتماعی و پیوندهای دیرینه مردم و سوابق تاریخی، از مهم‌ترین عوامل انسجام‌بخش ملی به شمار می‌رود، اما در صورتی که سازوکارهای لازم برای تنظیم روابط و مناسبات، مورد توافق و عمل همگان قرار نگیرد، امکان آسیب رسیدن به امنیت داخلی متصور است؛ زیرا تضاد در منافع افراد و گروه‌های اجتماعی یا اختلال در روابط مردم و حکومت، همواره این ظرفیت را دارد تا جامعه را دچار بی‌نظمی کند. بر این اساس است که اندیشمندان تأکید فراوان بر وجود قانون و اجرای آن دارند و قانون‌گرایی را به‌عنوان مهم‌ترین سازوکار و تنظیم‌کننده روابط افراد جامعه و برقرارکننده نظم و امنیت و ثبات سیاسی و قوام و دوام جامعه قلمداد می‌کنند. حاکمیت یافتن قانون، استواری و تقویت پیوندهای مردم و نیز مردم و حاکمان جامعه را در پی دارد. قانون، منشور عمومی یک ملت است که به رفتار، کردار و گفتار آحاد جامعه معنا، جهت ارزشی، حدود و هویت می‌بخشد و نتیجه اراده اجتماعی است، که به شکل رسمی و غیررسمی مورد توجه و عمل قرار می‌گیرد. در شکل رسمی؛ قانون مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور است که به منظور ایجاد نظم و استقرار امنیت توسط نهادهای مسئول قانون‌گذاری وضع می‌شوند و به وسیله نهادهای قانونی و افراد اجرا می‌شوند و در شکل غیررسمی نیز به‌عنوان هنجارهای اجتماعی شناخته می‌شوند که عبارتست از قواعد، الگوها، معیارها، ضوابط و انتظاراتی که جامعه از اعضای خودش دارد.

از این‌رو زندگی مسالمت‌آمیز افراد در یک جامعه، تنها در صورت رعایت قواعد مشترک ممکن می‌شود و هر جامعه برای ایجاد نظم، نیازمند قانون است؛ زیرا قانون لازمه حیات اجتماعی است و افراد در حیطه قانون به یکدیگر پیوند می‌خورند. قانون با مشخص کردن وظایف و اختیارات اعضای جامعه و حکومت، از ناآرامی‌ها و بی‌نظمی‌های جامعه جلوگیری می‌کند و مبنا و سازوکار اداره امور جامعه به شمار می‌رود. نظم و امنیت، ناشی از رفتارهای منضبط و قاعده‌مند جامعه بر اساس قواعد، هنجارها، ارزش‌ها، عرف و الگوی مورد قبول و رایج جامعه است.

برای رسیدن به چنین جامعه مطلوب و اجرایی شدن قانون، وجود قانون مناسب، شرطی حتمی است. هر قانونی نمی‌تواند متناسب با فطرت و نیازهای فردی و اجتماعی انسان باشد و قوانینی امکان اجراء و استمرار خواهند داشت که از ویژگی‌های لازم یک قانون خوب برخوردار باشند و

در این صورت است که مورد توجه و عمل قرار می‌گیرند. از این رو شناخت شاخص‌های این‌گونه قوانین ضروریست.

به عبارت دیگر، اگر قانون نتواند کارکرد، هدف و منظور از آن را انجام دهد و قانون نامناسبی باشد، بر مشکلات یک جامعه خواهد افزود. عوامل و عناصر گوناگونی باید موجود باشند تا یک قانون مناسب گردد، پس تعریف یک قانون مناسب و شاخص‌های آن، کاری مشکل و البته ضروری است.

از طرفی اقتدار، یکی از عناصر عمومی ساختارهای اجتماعی است که هم نماد یکپارچگی کارکردی در نظام‌های اجتماعی است و هم آن را تحقق می‌بخشد. از نظر وبر، ویژگی جوامع مدرن، اقتدار قانونی عقلانی است که متکی به قواعدی غیرشخصی است که به طور قانونی تصویب شده‌اند و در موقعیتی قرار دارد که فرد صاحب آن است. حال آن که در جوامع پیشامدرن، اقتدار به صورت سنتی و بر مبنای قواعد سنتی یا به صورت کاریزماتیک شکل می‌گیرد (روشه^۱، ۱۳۷۶: ۱۰۷). ویژگی جوامع آینده، شکل‌گیری اقتدار عقلانی در آنهاست که همسو با گسترش عقلانیت، سایر انواع اقتدار به ضعف می‌گیرند.

با توجه به مسائل مطروحه، و نیز همگام شدن قانون و اقتدار قانونی در جوامع مدرن، می‌توان به اهمیت «قانون مناسب» و «اقتدار اجتماعی» پی برد. همان‌طور که ذکر شد، در جوامع کنونی، قانون به عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد انسجام است و اقتدار اجتماعی که خود به تعبیر وبر نوعی اقتدار قانونی-عقلانی است، مهم‌ترین نوع اقتدار در این‌گونه جوامع است. در نتیجه تعریف قانون مناسب و بررسی رابطه آن با مفهوم اقتدار اجتماعی و میزان تأثیرگذاری قانون مناسب بر اقتدار اجتماعی، موضوعی حیاتی است. به طور ضمنی می‌توان پرسید آیا بدون وجود قانونی مناسب، می‌توان به اقتدار اجتماعی دست یافت؟

هدف تحقیق

هدف نوشتار حاضر بررسی رابطه بین «قانون مناسب» و «اقتدار اجتماعی» و نیز میزان تأثیرگذاری قانون مناسب بر اقتدار اجتماعی است.

فرضیه تحقیق

- قانون مناسب با اقتدار اجتماعی رابطه دارد.

- قانون مناسب بر اقتدار اجتماعی تأثیرگذار است.

قانون مناسب

ویژگی‌های قانون مناسب به شرح زیر است:

- الهی بودن قوانین

خداوند به تمام ابعاد مادی، معنوی، نیازها، مصالح و مفسد بشر آگاهی دارد و در وضع قوانین، منفعت شخصی و گروهی را در نظر ندارد. در اسلام، قانون بر اساس مصالح فردی و اجتماعی وضع می‌شود.

- هماهنگی با فطرت

یکی از ویژگی‌های قوانین اسلام، فطری بودن آن است. چنانچه در قرآن کریم نیز به آن تصریح شده است: «فطره الله التي فطر الناس علیها» (روم، ۳۰). مفسرانی مانند علامه طباطبایی (ره) (۱۳۶۳)، همسویی با فطرت را از ویژگی‌های قوانین اسلام دانسته‌اند. گوستاولوبون نیز به این باور است که قوانین اسلام طبیعی‌ترین قوانین است و همین امر سبب ایجاد تمدن و گسترش اسلام شده است.

- عقلانی بودن قوانین

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و قالوا لو كنا أوعقل ما كنا فی اصحاب السعیر» و آنگاه اهل دوزخ با تأسف و حسرت به هم گویند اگر ما در دنیا سخن انبیاء را می‌شنیدیم یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم، امروز از دوزخیان نبودیم.

کاتوزیان در این رابطه می‌گوید: یکی از ویژگی‌های قوانین اسلام، تلفیق شرع و عقل است. برخی تصور کرده‌اند که دین با خردورزی و قانون‌مداری در تضاد است؛ در حالی که این دو مکمل یکدیگرند و در فرهنگ شیعی عقل به‌عنوان یکی از منابع حقوق به شمار می‌رود و اسلام عقل را پیامبر باطنی می‌داند. تاریخ و تجربه زندگی انسان نیز نشان می‌دهد که برای ایجاد جامعه قانون‌مند، باید با استفاده از عقل و دانش، قوانین منطبق با شرع را انتخاب کرد و برای حیات سعادت بشر تدوین نمود. کاتوزیان در این باره می‌گوید: قانون باید موافق طبع مردم باشد و قانونگذار عاقل از اخلاق عمومی و خواسته‌های مردم پیروی می‌کند و علیه آنها قدم بر نمی‌دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۵۶-۱۵۲).

- دارای ضمانت اجرا

یکی از ویژگی‌های قانون خوب این است که از ضمانت اجرایی مناسبی برخوردار باشد. صاحب‌نظران، حکومت و نظارت عمومی را ضامن اجرای قانون می‌دانند و در نظام سیاسی اسلام نیز حکومت و فریضه امر به معروف و نهی از منکر، ضامن اجرای قوانین شناخته شده‌اند. به عبارت دیگر، فرق قانون با دیگر هنجارهای رفتاری در این است که پیروی نکردن از آن، واکنش حکومتی را به دنبال می‌آورد و حکومت اجرای قاعده حقوقی را تضمین می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۲۱-۴۴۲).

- قطعی و صریح

قانون باید مفید قطعیت باشد؛ به این معنا که تا آنجا که ممکن است، قواعد و مقررات حاکم بر افعال شهروندان را مشخص سازد و آنان را از ناامنی کار و زندگی و غیرمنتظره بودن حوادث بیرون آورد.

- پاسخ‌گوی نیازهای جامعه

آن دسته از متفکرانی که بر اجتماعی، تاریخی یا تجربی بودن قانون تأکید می‌کنند، مهم‌ترین وصف هر قاعده حقوقی را پاسخ‌گویی به نیازهای فعلی و عصری جامعه می‌دانند. به دیگر سخن، با این وصف، قانون چیزی جز قواعد رفع نیازهای اجتماعی انسان نیست. به نظر روسو، اگر قوانین با نیازها منطبق واقع نشوند، می‌توانند زیان‌بار باشند و سازوکارهای مواجهه با بحران در جامعه را نابود سازند. از دیگر سو، بهترین نظام قانونی، نظامی است که با توجه به ویژگی جغرافیایی و انسانی یک کشور تنظیم شده باشد. از این روست که باید گفت بهترین قانون، مناسب‌ترین قانون برای کشور است (روسو، ۱۳۸۲: ۲۴۰-۲۴۲ و ۴۶۷-۴۶۸).

- تأمین‌کننده منفعت عموم

قانون باید به مصلحت عموم توجه داشته باشد نه مصلحت خواص (نهج‌البلاغه، نامه ۱۵۳). منظور از مصلحت عموم این نیست که اگر اکثریت خلاف قوانین الهی، منافع غیر حقی را مد نظر داشته باشند، قانون‌گذار الزاماً مکلف تدوین چنین قوانینی باشد؛ بلکه منظور از منفعت عموم، در مقابل خواسته‌های نامشروع و ناصحیح عده‌ای خاص است که هم عقلانی و هم منطبق با قوانین الهی است.

به یک تعبیر، قوانین یک کشور باید منطبق با عقل وضع شده باشند. قانونی عقلانی است که نفع اکثریت و اقلیت هر دو را در نظر بگیرد (فاستر، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۸۴).

بنتام تأکید می‌کند که قانون خوب قانونی است که میل آن به افزایش خوشی جامعه بیشتر از میل به کاهش آن باشد. جوزف رز منفعت عمومی و فردی را در هم تنیده و یکی می‌داند. به نظر وی، خیر عمومی به معنای خیر همگان است که شامل خیر صاحبان فردی حقوق نیز می‌شود. از این رو با حمایت از خیر و منفعت فرد، در حقیقت می‌توان به حفظ و حمایت از منفعت عمومی پرداخت و در مقابل با تضمین منفعت عمومی در واقع خیر فرد را نیز تضمین کرد (رز، ۱۹۷۷: ۲۱۱-۱۹۵). قانون خوب، قانونی است که برای خیر و صلاح همه مردم ضروری باشد و آنان بر چنین چیزی توافق داشته باشند (هایز، ۱۳۸۱: ۳۱۱-۳۱۰).

- منطبق با اخلاق

قوانین باید اخلاقی باشند تا وجدان انسان‌ها را قانع کنند و از این رو ملتزم سازند. پاره‌ای از نظریه پردازان و از دیدگاه برخی مکاتب، قانون ادامه اخلاق و از آن جنس است و از این رو نمی‌تواند با اخلاق منطبق نباشد. با این وصف، قانون باید با اخلاق سازگاری و انطباق داشته باشد (مونتسکیو، ۱۳۶۲: ۹۴۴-۹۴۹).

- عادلانه و مشروع

قانون باید نظر اکثریت را تأمین کند، ولی این انعکاس نباید ناعادلانه باشد؛ بلکه کاملاً به عکس، قانون باید در پی تأمین عدالت باشد. یکی از راه‌های تشخیص تأمین عدالت، تأمین حقوق اقلیت است. به عبارت دیگر، انعکاس نظر اکثریت به یک معنا قانون را دموکراتیک می‌سازد. اما، هر قانون دموکراتیک به ضرورت عادلانه نیست. قید رعایت حقوق اقلیت، در حقیقت قانون دموکراتیک را قانون دموکراتیک عادلانه می‌گرداند. به تعبیر آیزیا برلین، یکی از مقتضیات ذاتی انسان، نماد عدالت است. همچنین از نظر هایک، قانون تنها مجاز به تجویز آن چیزی است که عادلانه است.

- دارای ثبات

اعمال و اجرای قانون باید به نحو مستمر صورت گیرد. به این معنا که تا نسخ و ابطال قانون توسط قانونی دیگر، اجرای قانون نباید معطل بماند. البته این به معنای دائمی بودن قانون و

بقای ابدی آن نیست؛ زیرا همان‌طور که افلاطون نیز بیان می‌کند، هیچ هنر قانونگذاری وجود ندارد که بتوان با آن قانونی برای همیشه وضع کرد. بلکه به این معناست که قانون نباید خیلی زود به زود تغییر و تبدیل یابد، و باید از یک ثبات برخوردار باشد؛ به طوری که شهروندان حقوق و وظایف خود را به روشنی دریابند و زندگی‌شان را در چارچوب قوانین تنظیم کنند.

- کارآمد

قانون یک هویت هدفدار است. قانونی کارآمد است که بتواند به هدف نائل آید، هدف از قانون هر چه باشد. قانون ناکارآمد به پدیده‌ای تبدیل می‌شود که شاید بتوان آن را ضد قانون نامید. از دید بن‌تام و میل، وضع قانون، بدون توجه به افکار عمومی و حرکت خلاف این افکار، موجب شکست عملی قانون و ناکارآمد شدن آن می‌گردد.

- قابل اجرا

قانون باید با توانایی‌های اشخاصی که برای آنها وضع می‌شود، متناسب باشد. اگر قانونی گذارده شود که فوق توانایی و طاقت انسان فرمان دهد، یا انسان را در انجام دادن آن دچار مشکلات زیاد کند، قانونی ناموفق یا در بعضی موارد یک قانون مرده و اجرا نشدنی خواهد بود. به علاوه، نظام حقوقی و سیاسی که دربرگیرنده چنین قوانینی است، به‌طور قطع دچار بحران مشروعیت خواهد شد؛ چه اساساً مردم، حتی اگر بخواهند، توان پیروی از قوانین را ندارند. به گفته ژان ژاک روسو، قانونگذار فرزانه قبل از تدوین قانون بررسی می‌کند آیا ملت تاب تحمل آن را دارند (روسو، ۱۳۸۲: ۲۱۳-۲۱۴).

اقتدار اجتماعی

ساموئل هانتینگتون در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» با عنایت به وضعیت کشورهای جهان سومی اظهار می‌دارد که: سامان سیاسی در این جوامع از ناحیه ضعف یا نبود اصول بنیادینی که محور فعالیت کلیه بازیگران و مورد اجماع ایشان باشد، معمولاً تهدید می‌شود و ما شاهد تعرض پیوسته بازیگران خرده ملی یا فراملی به بنیادهای نظام سیاسی و در نتیجه وقوع بی‌نظمی در حیات اجتماعی هستیم که راه را برای بروز ناامنی هموار می‌سازد. به همین علت است که وجود «حاکمیتی مقتدر» از دیدگاه وی به مثابه پیش شرط تحقق «امنیت» مورد توجه قرار می‌گیرد و اظهار می‌دارد که: «پراکندگی اقتدار با نوسازی سیاسی سازگار نیست. نوسازی برای ایجاد دگرگونی به اقتدار نیاز دارد.» و چنین اقتداری بدون پذیرش

عمومی اصول بنیادینی که تعرض به آنها به مثابه تهدید ملی تلقی می‌شود و همگان متعهد به صیانت از آنها هستند، ناممکن است. به عبارت دیگر اقتدار مورد نظر هانتینگتون از رهگذر اطاعت و پذیرش قطعی اصولی حاصل می‌آید که بنیاد و جوهره نظام سیاسی را شکل می‌دهند و همین امر منجر می‌شود تا «قدرت سیاسی» به واسطه «پذیرش و اطاعت» عمومی به «اقتدار» بدل شود و موتور محرکه فرآیند خطیر نوسازی گردد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۶۰).

به نظر دارندورف، «اقتدار عبارت است از شانس و موقعیتی مبنی بر نظمی خاص با محتوای معین که باعث اطاعت گروهی از مردم می‌شود.» دارندورف منشاء ساختی تضادهای اجتماعی را در اقتدار می‌جوید نه قدرت. قدرت مربوط به نیروی بدنی شخص، استعداد و توانایی و نیروی معنوی و نقش وی است؛ در صورتی که اقتدار منحصرأً با سمت یا نقشی که فرد در یک سازمان اجتماعی بر عهده دارد؛ در ارتباط است. پس در تمام جوامع انسانی، اقتدار وجود دارد و یک سازمان اجتماعی بدون اقتدار تصور نشدنی است. در جامعه گروه‌هایی کم‌وبیش دارای اقتدار هستند و در مقابل، اشخاص یا گروه‌هایی هم وجود دارند که تحت انقیاد و تسلط این «اقتدار» قرار دارند. پارسونز معتقد است ساختار، از مجموعه موقعیت‌ها تشکیل یافته است و هر کدام از موقعیت‌ها در یک «میدان وضعیت» قرار می‌گیرند که با سایر موقعیت‌ها مربوط است. برای هر وضعیت اجتماعی، یک «نقش اجتماعی» وجود دارد (دارندورف، ۱۳۷۱: ۵۴-۵۱). این «انتظارات نقشی» که توسط گروه مسلط ارائه می‌شوند، با تفکر پارسونز مبنی بر این که «در یک نظام، قدرت برای اصلاح کجروی‌ها وجود دارد» قرابت دارد (تورنر، ۲۰۰۶: ۱۴۵). در نتیجه از نظر دارندورف پایگاه‌های اجتماعی گوناگون، از مقادیر متفاوتی از اقتدار برخوردارند. او ضمن طرفداری از بررسی ساختارهای پهن دامنه‌ای چون نقش‌های اقتدار، معتقد است اقتدار ساختار همیشگی ندارد. این امر از این واقعیت برمی‌آید که اقتدار نه در افراد، بلکه در پایگاه‌ها جای دارد.

پس اقتدار موجود در یک انجمن آمرانه، خصلتی دو شاخه دارد: آنهایی که پایگاه‌های با اقتدار را در دست دارند و آنهایی که در پایگاه‌های فرمان‌بری جای دارند. کسانی که پایگاه‌ها را اشغال کرده‌اند، نمی‌توانند آنها را با فرمان بران تقسیم کنند. منافع این دو گروه در جهت عکس یکدیگر قرار دارد.

با نگاهی کلی به افکار تضاد دارندورف می‌توان به فراست درک کرد که او به جامعه دو طبقه‌ای معتقد نیست؛ با بیان مفهوم «تعدد تضادها» به کثرت‌گرایی ساختارهای اقتدار معتقد است. با همین مفهوم است که از تضاد به نظم و وفاق می‌رسد؛ چرا که تضادها یکدیگر را خنثی می‌کنند.

دارندورف همچون پارسونز همه گونه‌های سلطه را مشروع می‌داند. به این گونه وی بین اقتدار و مواردی که در آن فرمانبران نه به دلیل اعتقاد به عادلانه یا مشروع بودن روابط، بلکه به دلایل گوناگون دیگر از فرمان‌های بالادستان اطاعت می‌کنند، تمایز قائل نمی‌شود. اما برجسته بودن کار دارندورف به دلیل این است که وی خلاف سایر متفکران، دو برداشت هم‌زمان از نظام اجتماعی دارد؛ نظام اجتماعی مبتنی بر تضاد و یگانگی که یکی را به نفع دیگری نفی نمی‌کند. اقتدار آن‌گونه مطرح می‌شود که هم عامل یگانگی اجتماعی است و هم عاملی است از تضاد. اعمال چنین روشی در بررسی واقعیات اجتماعی، باعث امیدواری است (روشه، ۱۳۷۶: ۱۰۷).

مباحث وبر پیرامون روابط مبتنی بر اقتدار، بینش دیگری را در زمینه ساختار در حال تغییر جهان مدرن مهیا می‌کند. وبر توزیع قدرت و اقتدار در جامعه را بنیاد تعارض‌های اجتماعی می‌داند. از نظر او، قدرت، احتمالی است که بر اساس آن فرد در روابط اجتماعی در موقعیتی قرار می‌گیرد که با وجود مخالفت دیگران و صرف‌نظر از این احتمال که بر چه اساسی به وجود آمده است، خواسته خود را عملی می‌کند. قدرت به شخصیت افراد متکی است و اقتدار وابسته به موقعیت‌های اجتماعی افراد است. اقتدار یکی از عناصر عمومی ساختارهای اجتماعی است که هم نماد یکپارچگی کارکردی در نظام‌های اجتماعی است و هم آن را تحقق می‌بخشد. از نظر وبر، ویژگی جوامع مدرن، اقتدار قانونی عقلانی است که متکی به قواعدی غیرشخصی است که به طور قانونی تصویب شده‌اند و در موقعیتی قرار دارد که فرد صاحب آن است. حال آن که در جوامع پیشامدرن، اقتدار به صورت سنتی بر مبنای قواعد سنتی یا به صورت کاریزماتیک شکل می‌گیرد (همان). ویژگی جوامع آینده، شکل‌گیری اقتدار عقلانی در آنهاست که همسو با گسترش عقلانیت، سایر انواع اقتدار به ضعف می‌گرایند. امروزه گسترش دموکراسی و روند دموکراسی‌خواهی در جوامع گوناگون، موجب هماهنگی و همسانی در چگونگی شکل‌گیری می‌گردد. بنابراین در ادامه، شاخص‌های مهم تأثیرگذار بر اقتدار اجتماعی بررسی می‌شود:

عدالت اجتماعی

کشوری که شهروندانش احساس عدالت نکنند، کارایی و کارآمدی لازم را نخواهد داشت و این زمینه‌ای خواهد شد تا حکومت اقتدار لازم را در قلمرو خود و حتی در صحنه بین‌المللی نداشته باشد. حکومت فاقد اقتدار نمی‌تواند ارزش‌های مورد نظر خود را در جامعه تحت حاکمیت به صورت آمرانه اعمال و توزیع نماید و بدیهی است که کشوری که نتواند ارزش‌های مورد نظر خود را حفظ کند، با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۱۵).

تامین اجتماعی

با عنایت به این نکته که انسان موجودیتی واقعی و عینی، نه ذهنی و انتزاعی دارد، امنیت زمانی تأمین می‌شود که نیازهای اساسی انسان برآورده شود؛ در غیر این صورت انسان با ناامنی روبه روست. چون مطابق نظر پل‌سایتس^۱، تأثیر نیاز انسان در جامعه و رفتارهای او از تأثیر نیروهای اجتماعی بر رفتار افراد، بسیار متنفذتر و بیشتر است؛ به عبارت دیگر، معیار اصلی امنیت و ناامنی انسان، نیاز اوست. پل‌سایتس بر هشت مسئله به عنوان نیاز اساسی انسان تأکید کرده که عبارت است از: نیاز به واکنش، امنیت، مورد شناسایی قرار گرفتن و به رسمیت شناخته شدن^۲، انگیزش و تحرک^۳، عدالت توزیعی^۴، عقلانیت^۵ و کنترل^۶ (ساتیس، ۱۹۷۳: ۷۱-۸۴).

نظریه‌یوهان گالونگ^۷؛ وی ضمن اذعان به این که نیازهای انسان برخاسته از تعامل عوامل فرهنگی و روانی است و تنها در نیازهای مادی منحصر نیست، به چهار دسته از نیازهای اساسی انسان به این شرح اشاره کرده است: نیاز به بقا، بهزیستی^۸، آزادی^۹ و نیازهای هویتی^۹. مطابق نظریه نیاز انسانی، نیازهای جسمی، فکری و روحی افراد و گروه‌ها باید تأمین شود و گرنه افراد و جوامع از هم خواهند پاشید و بقا و بهزیستی آنها به خطر خواهد افتاد.

1. Paul Sites
2. Recognition
3. Stimulation
4. Distributive justice
5. Rationality
6. Control
7. Well - being needs
8. Freedom Need
9. Identity needs

سرمایه اجتماعی

امروزه سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهمی در اقتدار اجتماعی ایفا می‌کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی ناهموار و دشوار می‌شوند.

پیر بوردیو^۱ معتقد است سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط، یک مفروض ذاتی یا اجتماعی نیست؛ بلکه چیزی است که بر یک مبنای مداوم به وجود آمده است. سرمایه اجتماعی حاصل راهبرد سرمایه‌گذاری فردی و جمعی است که آگاهانه یا ناآگاهانه موجب حفظ و بازتولید روابط اجتماعی می‌شود. این روابط می‌تواند در همسایگی، محل کار یا بین خویشاوندان باشد (بوردیو، ۱۹۸۶ و وینتر، ۲۰۰۰: ۲).

جیمز کلمن^۲ معتقد است که سرمایه اجتماعی عکس سایر سرمایه‌ها که میل به خصوصی‌شدن دارند، بیشتر یک کالای عمومی است و آن را بیشتر یک سرمایه مولد توصیف می‌کند. این جنبه عمومی بودن سرمایه اجتماعی است که آن را از سایر اشکال سرمایه متمایز می‌کند. کلمن سرمایه اجتماعی را نه از طریق آنچه هست، بلکه از طریق آنچه انجام می‌دهد یا از طریق کارکرد آن تعریف می‌کند. از نظر او، سرمایه اجتماعی شیء^۴ واحدی نیست، بلکه تنوعی از اشیاء گوناگون است که دو ویژگی مشترک دارند (کلمن، ۱۹۹۰: ۴۶۲ - ۴۶۳). کلمن اشکال عمده سرمایه اجتماعی را تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر، روابط اقتدار، اعتماد، سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر، سازمان تعهدی و پیوندها می‌داند (همان: ۴۶۶).

- رابرت پاتنام^۵ برای سرمایه اجتماعی خاصیتی قائل است و آن حالت خود تقویت‌کنندگی و خودافزایی سرمایه اجتماعی است که دور باز تولیدکننده آن، به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شود. فقدان این ویژگی‌ها در جوامع، عهدشکنی، انزوا و بی‌اعتمادی، بهره‌کشی و بی‌نظمی را تشدید می‌کند.

1. Pierre Bourdieu
2. Bourdieu , Winter
3. James colman
4. Entity
5. Robert putnam

از نظر او اجزای اصلی سرمایه اجتماعی، اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی است و اعتماد اجتماعی، از دو منبع مرتبط هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود (پاتنام، ۱۹۹۳: ۲۹۳).

بر اساس مباحث اسلامی و نظریه‌های کلاسیک مطرح شده می‌توان گفت که اقتدار اجتماعی یکی از پرمناقشه‌ترین موضوعات در بین اندیشمندان اجتماعی است که اقتدار اجتماعی چطور تعریف و اندازه‌گیری شود. این مسئله بحث و انتقادهای زیادی را در بین اندیشمندان و متفکران همراه داشته است. آنچه بر ابهامات فراوان پیرامون اقتدار اجتماعی می‌افزاید، تعاریف و دیدگاه‌های متعدد در حوزه‌های گوناگون توسط افراد مختلف است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی تحقیق

قانون: عبارت از قواعد و قوانینی است که توسط نمایندگان رسمی و مشروع مردم تهیه می‌شود و از قدرت و ضمانت اجرایی برخوردار است. پس فرق قانون با دیگر هنجارهای رفتاری در این است که پیروی نکردن از آن، واکنش دستگاه حکومتی را به دنبال دارد و حکومت، اجرای قاعده حقوقی را تضمین می‌کند.

قانون مناسب: اگر قانون در محدوده ضوابط الهی باشد، در حقیقت مبتنی بر عقل است. از این منظر، خداوند آفریننده انسان است و قوانین او تأمین‌کننده تمام نیازهای مادی و معنوی انسان است. حتی پیامبر و امامان نیز حق قانونگذاری ندارند، مگر و فقط برای تسهیل اجرای قوانین الهی (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۷-۱۴ و ۱۰۵).

اقتدار اجتماعی: به نظر دارندورف؛ «اقتدار عبارت است از شانس و موقعیتی مبنی بر نظمی خاص با محتوای معین که باعث اطاعت گروهی از مردم می‌شود.» دارندورف منشأ ساختی تضادهای اجتماعی را در اقتدار می‌جوید نه قدرت. قدرت مربوط به نیروی بدنی شخص، استعداد و توانایی، نیروی معنوی یا همچنین نقش وی است؛ در صورتی که اقتدار منحصرأ با سمت یا نقشی که فرد در یک سازمان اجتماعی بر عهده دارد، در ارتباط است؛ بنابراین در تمام جوامع انسانی، اقتدار وجود دارد و یک سازمان اجتماعی بدون اقتدار تصورناپذیر است (دارندورف، ۱۳۷۱: ۵۴-۵۱).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع، کاربردی است و روش جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و بررسی میدانی است. تکنیک تحقیق حاضر موردی و زمینه‌ای (پیمایشی) است. جمع‌آوری اطلاعات این مطالعه

در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ انجام گرفته است.

جامعه آماری و تعداد نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل صاحب‌نظران حوزه نظم و امنیت با حداقل مدرک تحصیلی دانشجوی دکتری و با بیست سال سابقه کار، مستقر در شهر تهران است و بر اساس آمارهای تقریبی، تعداد این جامعه، مجموعاً ۵۰۰ نفر هستند که به صورت هدفمند نسبتی و در دسترس انتخاب شدند. تعداد نمونه‌ها بر اساس فرمول اندازه‌گیری کوکران و با دقت برآورد $d = 0.05$ حداکثر واریانس $pq = 0.96$ و سطح اطمینان ۹۹ درصد، ۵۵ نفر انتخاب شد و برای اطمینان و لحاظ ضریب نمونه تعدیل شده $1/5$ ، تعداد نمونه ۶۰ عدد انتخاب گردید.

$$n = \frac{Nz^2 \times p(1-p)}{(N-1)d^2 + z^2P(1-p)} = \frac{500(1/96)^2 \times 96(1-96)}{(500-1)(0/05)^2 + (1.96)^2(96) \times (1-96)} \cong 55$$

$$nt = n \times \frac{10}{100} + 100 = 55 \times \frac{110}{100} = 60$$

تعداد نمونه تعدیل شده

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار سنجش پژوهش حاضر، شامل شش پرسشنامه‌ای است که محقق ساخته هستند. این پرسشنامه‌ها بر اساس مطالعات ملی و جهانی تدوین شده‌اند و سپس به وسیله تکنیک دلفی (سه بار ارسال) با نظر متخصصان، نهایی گردیده‌اند. پیوستار پرسشنامه‌های یادشده بر اساس طیف (۰ تا ۱۰) است.

معرفی ساختار، نقش و مقیاس صفات مورد مطالعه:

جدول ۲: ساختار و نقش متغیر (وابسته و مستقل)

صفات	ساختار	نقش	مقیاس	تکنیک سنجش
اقتدار اجتماعی	سازه	وابسته	فاصله‌ای	طیف (۰ تا ۱۰)
قانون مناسب	سازه	مستقل	فاصله‌ای	طیف (۰ تا ۱۰)

اعتبار و روایی ابزار اندازه‌گیری اعتبار^۱

برای بررسی اعتبار پرسشنامه، گزاره‌ها در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت. پس از بررسی نظریات و پیشنهاد‌های صاحب‌نظران، تغییرات لازم در پرسشنامه اولیه ایجاد شد و پرسشنامه ثانویه آزمون تهیه گردید.

همچنین برای ارزیابی روایی داده‌های مربوط به گویه‌های پرسشنامه بر اساس چارچوب نظری برای متغیر وابسته و متغیر مستقل، از تکنیک تحلیل عاملی^۲ استفاده شد و برای انجام این کار از روش **perrincipel component** و دوران **(varimax rotation)** استفاده شده است و گویه‌هایی را که مقادیر ضرایب بار عاملی آنها از $1/4$ ، بیشتر باشد، به عنوان تشکیل‌دهنده یک عامل پذیرفته‌ایم. همچنین مقدار **KMO** برابر با $1/87$ است که نشان‌دهنده اعتبار تحلیل عاملی یافته‌ها است.

روایی^۳

برای بررسی پایایی درونی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید، تا بر این مبنای پایداری درونی گویه‌های پرسشنامه پی برده شود.

جدول ۳: اعتبار شاخص‌های تحقیق

ردیف	شاخص	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
۱	اقتدار اجتماعی	۷	$1/83$
۲	قانون مناسب	۷	$1/75$

1. Validity
2. Factor Analises
3. Reliability

یافته‌ها و نتایج تحقیق

نظریات پاسخگویان درباره میزان تأثیر شاخص‌های قانون مناسب بر اقتدار اجتماعی

جدول ۴: میانگین نظریات پاسخگویان در خصوص میزان تأثیر شاخص‌های قانون مناسب بر شاخص

های اقتدار اجتماعی

میانگین کل	مشروعیت سیاست‌ها و قوانین	مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری	همبستگی و انسجام اجتماعی	رضایتمندی عمومی	توجه حاکمیت به اعتقادات و باورهای مردم	اعتماد عمومی	مشروعیت و شایستگی حکومت	شاخص‌های اقتدار اجتماعی شاخص‌های قانون مناسب	رتبه
8/35	8/91	7/62	7/82	7/85	8/56	8/53	9/13	انطباق قوانین با مبانی دین اسلام	۱
8/54	8/44	8/16	8/07	9/00	7/93	9/20	8/96	توان پاسخگویی قوانین به نیازهای جامعه	۲
8/17	8/22	8/13	8/00	8/45	7/44	8/55	8/42	قابلیت اجرایی داشتن قوانین مصوب	۳
8/27	8/36	8/05	8/11	8/55	7/57	8/53	8/69	برخوردارگی از ضمانت اجرایی قوی	۴
8/85	8/80	8/55	8/87	8/80	8/55	9/09	9/33	تأمین‌کننده عدالت در جامعه	۵
8/21	8/24	7/84	7/65	8/04	8/53	8/40	8/78	انطباق قوانین با اخلاق اسلامی	۶
8/76	8/47	8/65	8/64	9/18	8/17	9/15	9/07	تأمین‌کننده منافع عموم	۷
8/45	8/50	8/14	8/17	8/55	8/11	8/78	8/91	میانگین کل	

تبیین داده‌ها

برای تبیین داده‌ها و بررسی رابطه بین دیدگاه‌های پاسخگویان نسبت به تأثیر قانون مثبت بر اقتدار اجتماعی، در این بخش از آزمون‌های آماری استفاده شده است. حداکثر احتمال اشتباه قابل قبول از نظر آماری ۰/۰۵ (یا احتمال صحت ۹۵ درصد) است. بنابراین، آن همبستگی‌هایی قابل قبول هستند که سطح معناداری آنها حداقل ۰/۰۵ باشد.

۱) بررسی میزان تأثیر «قانون مناسب» بر «اقتدار اجتماعی»

به منظور مقایسه میزان تأثیر «قانون مناسب» بر شاخص‌های مختلف «اقتدار اجتماعی»، ابتدا میانگین مقادیر برای هر یک از پاسخگویان، محاسبه گردید و سپس از آزمون تحلیل واریانس فریدمن برای مقایسه میزان تأثیر این مؤلفه بر شاخص‌های مختلف «اقتدار اجتماعی» استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

H_0 :	«قانون مناسب» بر شاخص‌های مختلف «اقتدار اجتماعی» تأثیر دارد.
H_1 :	«قانون مناسب» بر شاخص‌های مختلف «اقتدار اجتماعی» تأثیر ندارد.

جدول ۸: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن برای مقایسه میزان تأثیر «قانون مناسب» بر شاخص‌های مختلف «اقتدار اجتماعی»

معنی داری	سطح (Sig.)	درجه آزادی	مقدار آماره خی دو	فراوانی	
۰/۰۰۰		۶	۱۰۰/۲۰۲	۵۵	مقایسه میزان تأثیر بر شاخص‌های مختلف

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده ($\text{Sig.} = 0/000$)، که کوچک‌تر از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود، یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت «قانون مناسب» تأثیر یکسانی بر شاخص‌های مختلف «اقتدار اجتماعی» ندارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه پاسخگویان، «قانون مناسب» بیشترین تأثیر را، به ترتیب، بر شاخص‌های «مشروعیت و شایستگی حکومت»، «اعتماد عمومی»، «رضایتمندی عمومی» و «مشروعیت سیاست‌ها و قوانین» دارد.

نمودار ۴: مقایسه میانگین میزان تأثیر «قانون مناسب» بر شاخص‌های مختلف «اقتدار اجتماعی»



۲) مقایسه میزان تأثیر مولفه «اقتدار اجتماعی» بر شاخص‌های مختلف «قانون مناسب»

به منظور مقایسه میزان تأثیر شاخص‌های مختلف «اقتدار اجتماعی» بر مؤلفه «قانون مناسب»، ابتدا میانگین مقادیر ثبت‌شده در هر یک از سطرهای جدول بالا برای هر یک از پاسخگویان، محاسبه گردید و سپس از آزمون تحلیل واریانس فریدمن برای مقایسه میزان تأثیر این شاخص‌ها بر مؤلفه «قانون مناسب» استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

H₀:

«اقتدار اجتماعی» بر شاخص‌های مختلف «قانون مناسب» تأثیر دارد.

H₁:

«اقتدار اجتماعی» بر شاخص‌های مختلف «قانون مناسب» تأثیر ندارد.

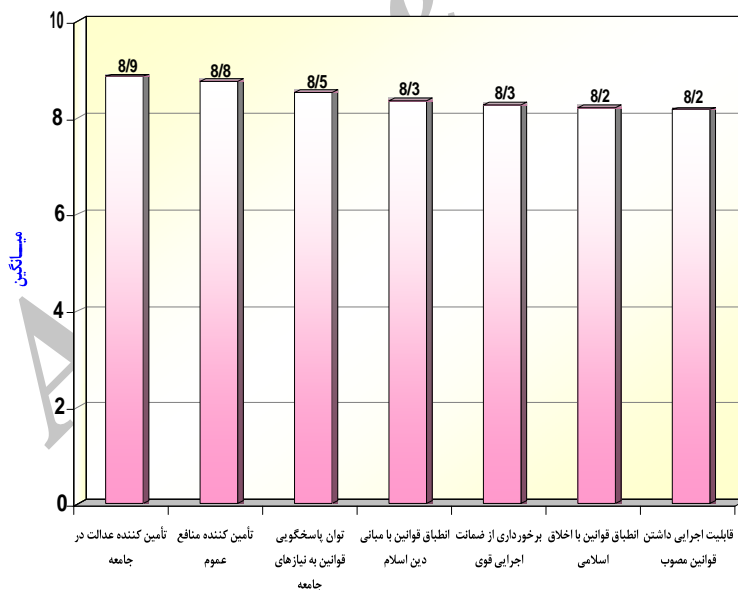
جدول ۹: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن برای مقایسه میزان تأثیر مؤلفه «اقتدار اجتماعی» بر شاخص‌های مختلف «قانون مناسب»

مقایسه میزان تأثیر شاخص‌های مختلف	فراوانی	مقدار آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی داری (Sig.)
	۵۵	۶۳/۵۹۷	۶	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده ($\text{Sig.} = 0/000$) که کوچک‌تر از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود، یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت شاخص‌های مختلف «قانون مناسب» تأثیر یکسانی بر مؤلفه «اقتدار اجتماعی» ندارند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه پاسخگویان، «اقتدار اجتماعی»، به ترتیب، بر شاخص‌های «تأمین‌کننده عدالت در جامعه»، «تأمین‌کننده منافع عموم» و «توان پاسخگویی قوانین به نیازهای جامعه» تأثیر دارد.

نمودار ۵: مقایسه میانگین میزان تأثیر مؤلفه «اقتدار اجتماعی» بر شاخص‌های مختلف «قانون

مناسب»



به منظور بررسی فرضیه تحقیق، ابتدا میانگین نظریات هر یک از پاسخگویان، محاسبه و سپس از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

$$\begin{cases} H_0: \mu & \text{(قانون مناسب بر اقتدار اجتماعی مؤثر نیست.)} \\ H_1: \mu & \text{(قانون مناسب بر اقتدار اجتماعی مؤثر است.)} \end{cases}$$

جدول ۱۰: نتایج آزمون t یک نمونه‌ای برای بررسی تأثیر قانون مناسب بر اقتدار اجتماعی

سطح معنی داری (Sig.)	مقدار آماره t	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین معیار	فراوانی	
۰/۰۰۰	۲۰/۵۱	۰/۱۱۹	۰/۸۸۶	۸/۴۵۰	۵۵	تأثیر قانون مناسب بر اقتدار اجتماعی

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده ($\text{Sig.} = ۰/۰۰۰$) که کوچک‌تر از سطح آزمون ($\alpha = ۰/۰۵$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود، یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت «قانون مناسب» اثر معنی‌داری بر «اقتدار اجتماعی» دارد.

۳) آزمون همبستگی

مقدار به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، بین اقتدار اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و متغیر مستقل فرضیه یعنی «قانون مناسب»؛ در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱۱: ماتریس ضریب همبستگی ارتباط متغیر وابسته اقتدار اجتماعی با متغیر مستقل قانون

مناسب

قانون مناسب	شاخص‌ها	
۰/۵۱۲	ضریب پیرسون	اقتدار اجتماعی
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۵۵	تعداد	

مقدار به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، بین اقتدار اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و متغیر مستقل «قانون مناسب» نشان می‌دهد که ارتباط سطح معناداری ($\alpha = 0.01$) است و با احتمال صحت ۹۹/۹٪ ارتباط بسیار قوی با یکدیگر دارند، به این معنی که هرچه قانون به‌طور صحیح وضع شود، اقتدار اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایجی که در خصوص فرضیه تحقیق استخراج گردید، به این شرح است: قانون مناسب بیشترین تأثیر را بر شاخص‌هایی از اقتدار اجتماعی به شرح؛ مشروعیت و شایستگی حکومت، اعتماد عمومی، رضایتمندی عمومی و مشروعیت سیاست‌ها و قوانین داشته است. همچنین شاخص‌های قانون مناسب که بیشترین تأثیر را بر اقتدار اجتماعی داشته‌اند، به ترتیب شامل این موارد بوده است: تأمین‌کننده عدالت در جامعه، تأمین‌کننده منافع عمومی، توان پاسخگویی به نیازها، انطباق با مبانی دین اسلام و برخورداری از ضمانت اجرای قوی. از طرفی با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده ($\text{sig}=0.000$) که کوچک‌تر از سطح آزمون ($\alpha=0/05$) بود، فرض صفر (H_0) رد می‌شود و با ۰/۹۵ اطمینان، قانون مناسب تأثیر معناداری بر اقتدار اجتماعی دارد. مقادیر حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نیز نشان می‌دهد که ارتباط بسیار قوی با احتمال صحت ۹۹/۹٪ بین قانون مناسب و اقتدار اجتماعی وجود دارد؛ بنابراین هرچه قانون به‌طور صحیح وضع شود، اقتدار اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. در نهایت و با توجه به نتایج تحقیق می‌توان بیان کرد که هرگاه قانون، تأمین‌کننده عدالت، منطبق با دین اسلام، تأمین‌کننده منافع عمومی، دارای توان پاسخگویی به نیازها و از ضمانت اجرایی بالایی برخوردار باشد، تأثیر زیادی بر اقتدار اجتماعی خواهد داشت.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. حضرت امام خمینی (ره). (۱۳۷۶). **حکومت اسلامی (چاپ ششم)**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۰). «فرهنگ امنیت اجتماعی»، در: مک کین لای و آر. تیل، امنیت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). **فلسفه حقوق بشر**، قم: اسراء.
۶. دارندورف، رالف. (۱۳۷۱). درباره منشاء نابرابری اجتماعی، ترجمه ح. قاضیان، **نامه فرهنگ**، سال دوم، شماره ۷.
۷. روسو، ژان ژاک. (۱۳۸۲). **امیل**، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، تهران: ناهید.
۸. روشه، گی. (۱۳۷۶). **تغییرات اجتماعی**، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی.
۹. صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۷). **فرهنگ و مدیریت سازمان‌های فرهنگی**، تهران: شادان.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۳). **المیزان فی تفسیر القرآن**، جلد ۱۸، قم: انتشارات اسلامی.
۱۱. فاستر، مایکل برسفورد. (۱۳۸۸). **خداوندان اندیشه سیاسی: از افلاطون تا ماکیاولی**، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: امیر کبیر.
۱۲. کاتوزیان، امیر ناصر. (۱۳۷۸). **عدالت قضایی**، تهران: دادگستر.
۱۳. منتسکیو، شارل دو. (۱۳۶۲). **روح‌القوانین (چاپ هشتم)**، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران: امیر کبیر.
۱۴. هابز، توماس. (۱۳۸۱). **لویاتان**، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
15. Bourdieu, Pare. (1986). **'The Forms of Capital'**. Handbook of Theory and Research for the Sociology of Capital. J. G. Richardson. New York: Greenwood Press.
16. Coleman, James. (1990). **Foundations of social theory**, Cambridge mass: Harvard university press.
17. Turner, H. Jonathan, Leonard Beeghley and Charles H. Powers (2006) **The Emergence of Sociological Theory**, Wadsworth Publishing.

18. Putnam, Robert D. (1993). **Making democracy work: civic traditions in modern Italy**. Princeton university press.
19. Stes, Paul .(1973). Control: **The Basis of Social Order**. New York; Associated Faculty Press.
20. Winter, Ian. (2000). "**Major themes and debates in the social capital literature: The Australian connection**." Pp. 17 - 42 in Social capital and public policy in Australia, edited by Ian Winter. Melbourne: National Library of Australia.

Archive of SID